

# نسبیت یا اطلاق آزادی بیان به عنوان یکی از مؤلفه‌های حقوق بشر در مبانی اسلامی و غرب

بدری برندگی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

## چکیده

آزادی بیان یکی از مؤلفه‌های حقوق بشر است. عده‌ای از صاحب‌نظران با آزادی مطلق بیان موافقت می‌کنند. به نظر آنها، آزادی بیان موجب شنیده شدن صدای همه اعم از موافق و مخالف، بالا رفتن میزان مشارکت در جامعه، حفاظت از مردم‌سالاری و مبارزه با آیین‌های جزمی می‌شود. عده‌ای با آزادی مطلق بیان مخالفت کرده‌اند و با بیان تمثیل جلوگیری از توزیع غذای مسموم اظهار می‌دارند که باید کسانی که آگاهند از انتشار افکار مسموم در جامعه جلوگیری کنند. آیا اسلام، آزادی مطلق بیان را می‌پذیرد و یا محدود و خطوط قرمزی را برای آن تعریف می‌کند؟ مقاله حاضر درصدد است که ضمن پاسخ به این سؤال، با استفاده از روش اسنادی، نوع نگرش اسلام و مبانی غربی به آزادی بیان را مورد بررسی قرار دهد. واژگان کلیدی: آزادی بیان؛ حقوق بشر؛ اخلاق؛ نسبیت.

## مقدمه

نفس انسان بودن، هرکسی را دارای حقوقی مستقل از تعلق او به فرهنگی و ملتی خاص می‌کند. این اصول چون پای‌های هستند، حقوق بشر نامیده می‌شوند. حقوق بشر انسان را در برابر افرادی که قصد ظلم یا آسیب رساندن به او را دارند، حفظ می‌کند. با پایبندی به حقوق بشر همزیستی انسان‌ها در صلح و آرامش امکان‌پذیر می‌شود. اساس اعلامیه حقوق بشر این ایده است که تمامی انسان‌ها از بدو تولد آزادند و حقوقی برابر دارند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر را به تصویب رساند. سازمان ملل متحد پس از تأسیس، با توجه به فجایع فاشیسم و جنگ جهانی دوم، تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر را در دستورکار گذاشت. کمیته‌های ازکارشناسان به ریاست روزولت، سندی را تنظیم کردند که در آن حقوقی را که هر انسان باید از آن برخوردار باشد، خطاب

به مردم جهان اعلام می‌کرد. این سند، اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد نامیده می‌شود (دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا، ۲۰۰۷).

همان‌طور که گفته شد، آزادی بیان یکی از مؤلفه‌های حقوق بشر است. ولتر می‌گوید: «به طور کلی، این حق طبیعی ماست که همزمان از قلم و زبان خود به قیمت جان خویش استفاده کنیم». این گفته ولتر مواد ۱۰ و ۱۱ اعلامیه ۱۷۸۹ را تشکیل می‌دهد. در ماده ۱۰ اعلامیه حقوق بشر آمده است که «هیچ کس نباید برای عقاید خود (حتی عقاید مذهبی) ترس به دل راه دهد». در حالیکه ماده ۱۱ از «رابطه آزاد بین افکار و عقاید به عنوان با ارزش‌ترین حقوق بشر» نام می‌برد (جهانبگلو، ۱۳۷۴: ۴۴).

از دیدگاه میکال جان (۱۹۶۰)، حق آزادی بیان پیش‌نیازی برای جریان دموکراتیک است. برت اشنايدر (۲۰۰۷: ۳۰) بحث می‌کند که حقوق آزادی بیان ضمانت‌هایی را برای شهروندان تأمین می‌کند تا نقش آنها را به عنوان مشارکت‌کنندگان در امر قانونگذاری گسترش دهد. از نظر دال (۱۳۷۸: ۱۱۹) لازمه دموکراسی این است که شهروندان آزاد باشند تا با نامزدها یا خط مشی‌ها یا حزب‌هایی که در معرض رسیدگی اجتماع قرار گرفته‌اند، مخالفت ورزند. اما اشتباه است که آزادی بیان را صرفاً در میان مبانی غربی جست‌وجو کنیم. قرآن به اشکال گوناگون، به صورت قانون الهی و سفارش اولیا، به آزادی بیان توجه ویژه‌ای می‌بذول داشته است. قرآن برخورداری از هدایت را گوش دادن به بیان‌های مختلف و برگزیدن نیکوترین آنها دانسته است و بدون وجود آزادی بیان، امکان رسیدن به چنین هدایتی را میسر نمی‌داند به این جهت دوری از حاکمان ستمگر که بر سر راه آزادی بیان مانع پدید می‌آوردند امری لازم است: پس به بندگانی که قول و سخن را گوش می‌دهند و از نیکوترین آنها پیروی می‌نمایند بشارت دهد. قرآن با به رسمیت شناختن آزادی بیان، پیامبر را به مشورت با مردم فراخوانده است. از این رو جامعه قرآنی، جامع‌های است که زمینه‌های اظهار نظر و بیان آزادی مسائل مهم حیاتی جامعه در آن فراهم است و شورا به عنوان نمادی از این شیوه در دستور کار اولیای امور قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

ابزار کارآمدی که قرآن برای نهادینه ساختن آزادی بیان فراهم آورده است، امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن آن را بر همه واجب شمرده تا راه برای اظهار نظر و بیان حقایق در همه سطوح جامعه گشوده شود. از سوی دیگر قرآن، از پیامبر می‌خواهد در برخورد با مخالفان، ضمن پیروی از اصول حکمت و شیوه‌های عقلانی و مردم‌پسند زمینه را برای آزادی بیان و انتخاب آزادانه آنان فراهم آورد.

## مفهوم شناسی آزادی<sup>۲</sup> و آزادی سیاسی

آزادی و معنای آن سرنوشت عجیبی داشته و در طول تاریخ و در اذهان اندیشمندان، معنای متفاوت و حتی ضد و نقیضی به خود گرفته است. به قول منتسکیو، هیچ کلمه‌ای به اندازه کلمه آزادی اذهان را متوجه خود نساخته است و به هیچ کلمه‌ای معنای مختلف مانند آزادی داده نشده است.

آزادی مقوله‌ای فلسفی - سیاسی است. از نظر فلسفی، آزادی به معنای «اختیار» در برابر «جبر» است. از لحاظ سیاسی، آزادی به مفهوم امکانات فرد از لحاظ حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی در برابر قدرت دولت و جامعه می‌باشد (علی بابایی و آقایی، ۱۳۶۵). برخی آزادی فلسفی را یک واقعیت<sup>۳</sup> و آزادی سیاسی را یک حق تلقی کرده‌اند که اولی از نظر فلسفه سیاسی قابل بحث نیست ولی دومی که دارای قابلیت اعطا یا سلب می‌باشد، موضوع فلسفه سیاسی است (سروش، ۱۳۷۵: ۴۲).

برخی دیگر ارتباط تنگاتنگی میان آزادی فلسفی و آزادی سیاسی قائلند، گویی آن دو را از یکدیگر نباید و نمی‌شود تفکیک کرد. به این تعبیر که لازمه شعور و اراده که آزادی تکوینی است، آزادی تشریحی و اجتماعی است که بشر با آن سلوک اجتماعی خود را انتخاب می‌کند و کسی حق ندارد بر دیگری استیلا و حاکمیت پیدا کند (فاضل میبدی، ۱۳۷۵: ۳۸). «آزادی» ناشی از یک اصل طبیعی و تکوینی است، که به نام «اراده» در نهاد انسان به ودیعه گذارده شده است و از کار انداختن و سرکوب کردن آن موجب از بین رفتن حس و شعور و بالاخره انسانیت می‌شود. اما چون انسان موجودی اجتماعی است، همیشه اراده و افعال خود را در ضمن اراده و افعال دیگران قرار داده و همین معنی موجب شده که در برابر قانون خضوع نموده و تسلیم باشد. ایشان در تفسیر آیه شریفه «لااکراه فی الدین» می‌فرماید: «اگر لا اکراه فی الدین قضیه اخباری باشد، گزارش از تکوین و طبیعت می‌نماید؛ یعنی در قاموس آفرینش عقیده‌ای اکراهی نیست و اگر گزاره انشایی باشد، آدمیان را نهی می‌نماید که عقیده‌ای را بر کسی تحمیل نسازید و این نهی انشایی بر حقیقتی تکوینی دلالت می‌نماید» (طباطبایی، ۱۳۶۴: ۱۲۳).

جدول ۱- ارکان مفهوم آزادی سیاسی

مفهوم	رکن
فقدان دخالت دولت و نهادهای قدرت و نبودن هیچ گونه منع و زور و زندان و زنجیر.	عدم مداخله دیگران و فقدان جبر و منع و زنجیر و زندان
مشارکت فعال و آزادانه و مؤثر نیز از اجزا مقوم مفهوم آزادی سیاسی است و بدون مشارکت و سهم بودن در سرنوشت سیاسی و انتخاب شکل حکومت و تغییر آن، معنای آزادی سیاسی کامل نمی‌شود.	امکان مشارکت و آزادی مشارکت در امور سیاسی و سهم بودن و مؤثر بودن در تصمیم گیری‌ها و تغییرها و تثبیت‌ها
حق انتقاد و اعتراض و سرپیچی و نیز حق پیشنهاد دادن و تأثیرگذاری بر تصمیم‌ها و اعمال کارگزاران حکومت، داخل در مفهوم آزادی سیاسی است و اگر چنین حقی نبود و یا جرأت اعتراض و شجاعت در شهروندان و احزاب مرده باشد و ترس و دلهره و ارباب و وحشت حاکم بود، آزادی سیاسی وجود ندارد.	امکان سرپیچی و پیشنهاد دادن، جرأت انتقاد و اعتراض داشتن و حتی مخالفت
دولت نباید با به وجود آوردن فقر و مشکلات، وجود آزادی را بیهوده گرداند و یا با فریب و تبلیغات و تلقینات شهروندان را در مسیرهای دلخواه خود قرار دهد. دکتر شریعتی معتقد است در بعضی از دموکراسی‌ها، با اینکه رأی گیری و رأی دادن و انتخابات آزاد است اما رأی‌ها و نظرها آزاد نیستند؛ بلکه با تبلیغات و تلقینات و اغوا و فریب، رأی‌ها و نظرها را جهت داده و به زنجیر گرفته‌اند که در این صورت با اینکه شهروندان آزادانه رأی می‌دهند ولی به همان چیز یا کسی رأی می‌دهند که قدرت‌ها و یا احزاب می‌خواهند.	توانایی استفاده از فرصت‌ها و آزادی‌ها (یعنی فقدان فقر و مشکلات و اغواء و فریب از طرف دولت و نهادهای قدرت)
هر شهروند و هر گروه و حزبی برای گفتن و نوشتن (چه پیشنهاد و ارائه راهکارها و چه انتقاد و اعتراض و ...) و برای کردار و عمل (مثل تجمع و تحسن و ...) و برای قصد و تصمیم باید امنیت داشته و هیچ گونه ناامنی و ترس و وحشت نبوده و از هر گونه تعرض و آسیب مصون باشند.	امنیت شهروندان و احزاب (در کردار و گفتار و پندار)

منبع: (فراهانی، ۱۳۸۹)

آمارتیاسن به نقل از لفت ویچ (۱۳۸۵)، پنج مقوله از آزادی‌ها را طبقه بندی می‌کند: آزادی‌های سیاسی که مردم را قادر می‌سازد تا آن‌چنان دولتی به وجود آورند که مزیت پاسخگو بودن را حفظ کند؛ امکانات اقتصادی که شامل فرصت‌هایی برای استفاده است تا منابع را برای مصرف تولید یا مبادله مورد استفاده قرار دهند؛ فرصت‌های اجتماعی که اشاره به نظم و ترتیبی دارد که جوامع مثلاً برای مراقبت‌های بهداشتی و آموزش فراهم می‌آورند، نظم و ترتیبی که واجد ارزشی بنیادی اما در فراهم سازی مشارکت مؤثرتر در حیات سیاسی و اقتصادی می‌باشند؛ ضمانت‌های شفاف که در واقع ضمانت‌هایی در مورد سپرده‌های اجتماعی و عمومی است که از خلال افشاگری و شفافیت که می‌تواند فساد و رشوه‌خواری را محدود سازد، حاصل می‌شوند؛ امنیت که ابزاری مهم برای توسعه است و شبکه نهادینه ایمنی اجتماعی به وجود می‌آورد که افراد را از سقوط در دامان فقر و گرسنگی نکبت بار محافظت می‌کند.

همانطور که مشاهده می‌شود، آزادی بیان به عنوان یکی از مطرح‌ترین انواع آزادی و یکی از حقوق بشر در نظریات و دیدگاه‌های مختلف وجود دارد. در ادامه به مفهوم شناسی آزادی بیان خواهیم پرداخت.

### مفهوم شناسی آزادی بیان

معنای آزادی بیان در یک فرآیند طولانی، قبض و بسط‌هایی دیده است و گاه آنچنان گسترده شده که حق آزادی عقیده و آزادی عمل را نیز شامل شده است و گاه آنچنان محدود گشته که حتی بعضی از مصادیق بیان نیز از شمول دایره آزادی بیان بیرون رفته است.<sup>۴</sup> آزادی بیان صرفاً منحصر به آزادی سخن گفتن نمی‌شود بلکه به صور مختلف جلوه‌گر می‌شود. بیان، عبارت است از بروز تبلور اندیشه‌ها، تفکرات و عقاید اشخاص به هر شکل ممکن. این‌گونه تبلور مکنونات ذهنی انسان می‌تواند به شکل نوشتن، هنر، سخنرانی کردن و ... تجلی یابد و در پرتو اسناد بین‌المللی و رویه قضایی بین‌المللی سعی شده است، مصادیق مهم و اصلی آن آشکار شود.<sup>۵</sup>

به نظر کوهن، لازمه دموکراسی این است که شهروندان آزاد باشند که شقوق مختلف راه‌های عمل را پیشنهاد کنند؛ یعنی این شقوق را برای مطالعه در برابر اجتماع قرار دهند. وجود هر نوع محدودیتی در اجتماع در برابر پیشنهاد راه‌های مختلف از جانب اعضا به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فلج شدن دموکراسی می‌انجامد؛ یعنی هم از ژرفای مشارکت می‌کاهد و هم نسبت به درستی و

خلوص مشارکتی که انجام می‌شود، ایجاد بدگمانی می‌کند.

به نظر دال، آزادی بیان به خودی خود مطلوب است و مانند سایر حقوق لازم برای روند دموکراتیک ارزش مخصوص به خود را دارد؛ زیرا برای استقلال اخلاقی، داوری اخلاقی و یک زندگی خوب جنبه ابزاری دارد. بیان آزاد تنها بدان معنی نیست که حق داشته باشید حرفتان شنیده شود، بلکه این نیز هست که حق داشته باشید حرف دیگران را نیز بشنوید (دال، ۱۳۷۸: ۱۱۹-۱۲۰؛ برت اشنایدر، ۲۰۰۷: ۴۵-۴۶). بنابراین حق آزادی بیان نه تنها بر ظرفیت شهروندان به عنوان حاکمان بلکه همچنین بر پایگاه آنها به عنوان مخاطبان قانون متمرکز است مخصوصاً ایده آزادی بیان به عنوان یک حق برای شنیدن بر اهمیت ارزش‌های بنیادی برای شهروندان در ظرفیت غیر رویه‌ای تأکید می‌کند (ناگل، ۲۰۰۲: ۴۳).

مهمترین و اولین سندی که به صراحت حق آزادی بیان را رسمیت بخشید اعلامیه جهانی حقوق بشر است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حق بشر و ملت‌ها اسناد مهم دیگری هستند که به طور جامعی آن را اعلام می‌کنند. مواد مربوطه در جدول ۳ آمده است.

### آزادی بیان در مبانی غربی

در مبانی غربی، تأکید زیادی بر آزادی بیان شده است. به عقیده کوهن (۱۳۷۳) و بیتام و بویل (۱۳۷۹) بر اثر سرکوب، نه تنها زمینه‌های اعتقاد از میان می‌رود بلکه گاهی اصل محتوای حقایق مورد اعتقاد نیز نابود می‌شود. کوهن بر این باور است که اگر بخواهیم دموکراسی پا برجا بماند، بیان باید کاملاً آزاد باشد. سؤال این است که آیا این خطر نیست که آزادی نامحدود بیان موجب شود تعدادی از مردم فریب بخورند، گمراه شوند و به اعمال غیرقانونی ترغیب گردند؟ او پاسخ می‌دهد که این خطر است و دموکراسی همیشه با آن مواجه است و باید باشد. او مطرح می‌کند که هیچ دموکراسی‌ای نیست که از خطر اشتباه در سیاست اجتماعی مصون باشد. بنابر نوشته برندایس<sup>۷</sup> به نقل از کوهن (۱۳۷۳)، چاره درد بیشتر گفتن است و نه سکوت اجباری. کوهن با تامس جفرسون همراه است که اگر ما خود را در برابر دموکراسی متعهد می‌دانیم، معتقد خواهیم بود که عقل سلیم مردم همواره بهترین ارتش جامعه است. ممکن است مردم برای مدتی گمراه شوند ولی فوراً اشتباه خود را تصحیح خواهند کرد. مردم تنها قیم حاکمان خویشند و حتی خطاهایشان

نیز آنها را به اصول حقیقی نهادهایشان پایبندتر خواهد ساخت.

عده‌ای به مخالفت با آزادی بیان پرداخته‌اند. از آن جمله استوارت میل (۱۹۴۸) در باب آزادی می‌نویسد: مطالعات تجربی نشان می‌دهند که آزادی بیان به تحریف حقیقت منجر می‌شود. برخی بر این باورند که آزادی بیان، مطلق و تخطی‌ناپذیر نیست<sup>۸</sup>. این شرایط در جدول ۳ خلاصه شده است.

به طور کلی، آزادی در غرب فقط یک شرط دارد و آن اینکه مزاحم دیگران نباشد و از آنان سلب آزادی نکند. آزادی در غرب از طریق قانون، محدود می‌گردد و سر و کار قانون با امور اجتماعی و روابط افراد با یکدیگر و در مجموع با دولت است در این صورت آزادی افراد تا آنجا محترم است که با مصالح جامعه در تضاد نباشد (سبحانی، بی تا: ۸). در ادامه به بررسی آزادی بیان در مبانی اسلامی خواهیم پرداخت.

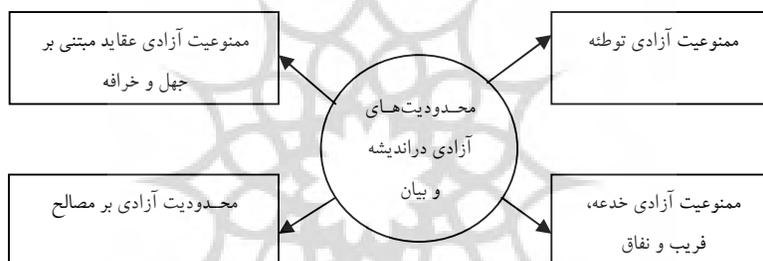
### آزادی بیان در مبانی اسلامی

بنابر دیدگاه‌های اسلامی، انسان کارگزار خداوند در اجرای قوانینی است که خود وضع نکرده است. این وضعیت، اساساً با آزادی‌های مطلق برای انسان منافات دارد. در نگرش اسلامی، این «عبد» بودن، برای آزادی‌های مطلق جایی باقی نمی‌گذارد. در جوامع دینی، شریعت و فقه حدّ آزادی است، علاوه بر اینکه اخلاق دینی نیز محدودیت‌هایی در این زمینه به بار می‌آورد (اسعدی، ۱۳۷۵: ۱۶-۱۵). در میان اندیشمندان اسلامی، عده‌ای با آزادی بیان مخالفت کرده‌اند. این ادله عبارتند از:

۱. بر قیاس این تمثیل در میان افکار، ویروس‌هایی وجود دارد که باید نسبت به آنها حساس بود یعنی همان‌گونه که نسبت به غذای جسم خود حساسیت داریم، باید در مورد خوراک فکری خود نیز حساس باشیم.
۲. وضعیت موجود در آزادترین کشورها که در آنها نیز آزادی بیان به نحو مطلق وجود ندارد. در هر کشوری اگر کسی بخواهد از آزادی بیان در جهت تجزیه آن کشور استفاده کند یا برای ایجاد فتنه‌ها و آشوب‌های قومی بهره‌گیرد و مردم را به جان هم اندازد با او برخورد می‌کنند. خاک، سرزمین، کشور، ملیت آنقدر محترم است که تمامیت آن بالاتر از هرازشی است، حتی ارزش آزادی بیان.

۳. آزادی مطلق، هرج و مرج است و در مقام عمل هیچ وقت آزادی بیان وجود نداشته است؛ زیرا انواعی از منع‌های نانوشته وجود دارد و ارزش‌ها و ساختارها چنان در این کشورها شکل گرفته‌اند که فکر و بیان را کاملاً محدود کرده‌اند. اگر هرکسی صرفاً بر اساس امیال و خواسته‌های خود و بدون لحاظ منافع دیگران و مصالح کلان جامعه حرکت کند، مسلماً مفاسدی پیش می‌آید که کمتر کسی از این وضعیت سود می‌برد. به همین دلیل اصل لزوم حکومت و اهمیت نظم و قانون، امری است که عقل به ضرورت آن حکم می‌کند و کمتر کسی با آن مخالف است. مخالفت با آنارشی به معنای نفی بی‌بند و باری مردم و لزوم پایبندی آنان به قانون است (سروش، ۱۳۸۲، سعیدی، ۱۳۷۹ و بی‌نا، ۱۳۸۳ و اعرافی، ۱۳۸۱: ۳۷).

شکل ۱. محدودیت‌های آزادی در اندیشه و بیان از دیدگاه امام خمینی (ره)



از آنجا که در بیان امام خمینی (ره)، مصلحت نظام و یا حفظ نظام مقدم بر همه امور است، آزادی‌های سیاسی در این دایره محدود می‌شوند. البته شواهدی هست که آزادی را تا حد زیادی از قربانی شدن در مسلخ مصلحت نظام نجات می‌دهد و آن اینکه این گونه مصلحت‌ها؛ اولاً در موارد نادر است و ثانیاً توسط کارشناسان دانا باید تأیید شود (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۴۱).

از طرف دیگر، مصلحت نظام در اندیشه امام اساساً میدان دادن به عقل بشری در برابر احکام اولیه و ثانویه است. بدین معنا که احکام حکومتی بر مبنای مصلحت جامعه و نظام و مطابق با نیازها و مقتضیات زمانه وضع می‌شوند و بر اساس عقل و تجربه بشری به عنوان احکام اولیه و مقدم بر سایر احکام شناخته می‌شوند و به نوعی دست بشر را در تأسیس، قوانین فارغ از محدودیت‌های احکام اولیه و ثانویه، باز می‌گذارند. در واقع میدان برای آزادی اندیشه او و به تبع آن آزادی‌های سیاسی بازتر می‌شود (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۱۷۰).

از دیدگاه شهید مطهری (۱۳۶۱)، هر مکتبی که به ایدئولوژی خود ایمان، اعتقاد و اعتماد

داشته باشد ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه و آزادی تفکر باشد و برعکس هر مکتبی که ایمان و اعتقاد به خود ندارد جلوی آزادی اندیشه و آزادی تفکر را می‌گیرد. این‌گونه مکاتب می‌خواهند مردم را در یک محدوده خاص فکری نگه دارند و از رشد افکارشان جلوگیری کنند.

محدودیت‌های آزادی در دیدگاه شهید مطهری از اعتقاد او درباره منشأ آزادی‌های انسان سرچشمه می‌گیرد. در اندیشه این متفکر، منشأ آزادی در اسلام بر خلاف غرب، استعداد‌های انسانی انسان و نه امیال اوست و یا «انسانیت رها شده» و نه حیوانیت رها شده می‌باشد، بنابراین آزادی، محدودیت‌هایی در بردارد و این محدودیت‌ها برای تقویت و گسترش درجه عالی وجود آدمی در مقابل درجه دانی اوست (مطهری، ۱۳۷۵ الف: ۷) و منافاتی با حقوق فطری و طبیعی آزادی ندارد.

برخی از تضیقات عقلایی نظیر: ممنوعیت آزادی توطئه و آزادی خدعه و فریب و نفاق، اختصاصی به جامعه دینی ندارد. هر چند جامعه دینی در این موارد، به ویژه در مورد نفاق عقیدتی، حساسیت بیشتری نشان می‌دهد. در این باره استاد مطهری می‌گوید: «احزاب و افراد اگر بخواهند زیر لوای اسلام، افکار و عقاید خودشان را بگویند، ما حق داریم که بگویم به نام اسلام این کار را نکنید. هر جور می‌خواهید عقیده خودتان را ابراز کنید به شرطی که فکر واقعی خودتان باشد نه آنکه به نام آزادی عقیده دروغ بگویید» (مطهری، ۱۳۷۵ الف: ۳۶-۳۲ و ۱۳۷۵ ب: ۵۵-۵۴). اما نکته‌ای که در سایر مکتب‌ها شاید سابقه نداشته باشد محدودیت در آزادی عقیده و آزادی متکی بر مصالح انسانیت است. با توجه به آثار شهید مطهری می‌توان استنباط کرد که مصالح انسانیت از دیدگاه او عبارتند از: ۱) مصالح انسانیت یعنی تقویت همان جنبه عالی انسان در مقابل جنبه حیوانی او و به اصطلاح محدودیت آزادی‌های برونی برای رسیدن به مراتب بهتر و بادوام‌تر آزادی معنوی و درونی؛ ۲) استاد مطهری اصل توحید و مصلحت توحید را جزء مصلحت انسانیت و حقوق عمومی انسانی اعلام و شرک را ریشه فساد معرفی کرده است و لذا جنگ با مشرک را به عنوان دفاع از حریم توحید و قطع ریشه فساد جایز شمرده است. البته نه به خاطر تحمیل عقیده توحید که توحید و ایمان تحمیل شدنی نیست، بلکه به عنوان برداشتن ریشه فساد که مانع و زنجیری است برای رشد اندیشه بشری (مطهری، ۱۳۷۵ الف: ۵۰-۵۱). بنابراین، مصلحت انسان آزادی در عقاید شرک آمیز را ممنوع و حتی مبارزه با آن را جایز می‌شمارد.

در قرآن، آیات زیادی به مذمت تجاوز به حقوق دیگران اختصاص یافته است. این آیات نشانگر آن است که حتی در پاسخ به تجاوز دیگران نیز باید رعایت حقوق دیگران منظور شود. «پس هر کسی بر شما تعدی کرد، همان‌گونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید» (بقره: ۱۶۴). در آیه‌ای دیگر از پاسخگویی و مقابله فراتر نهی شده است: «و البته نباید کینه توزی گروهی که شما را از مسجدالحرام بازداشتند، شما را به تعدی وا دارد» (مائده: ۲). بر اساس این آیات و آیاتی مشابه، یکی از محدودیت‌های جلوه‌های آزادی سیاسی در بیان و یا در عمل رعایت حقوق دیگران چه به صورت انفرادی (افراد دیگر) و چه به صورت رعایت حقوق جامعه است (قاضی زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۳-۱۴۲).

یکی از محدودیت‌های آزادی بیان که در قرآن ذکر شده است، رعایت حریم خصوصی زندگی دیگران است. استفاده از آزادی سیاسی در چارچوب امور عمومی جامعه است. هیچ کس حق ندارد در حریم زندگی خصوصی فرد دیگر به بهانه آزادی سیاسی وارد شود. قرآن کریم می‌فرماید «و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکنند» (حجرات: ۱۲). نهی از تجسس و غیبت، انحصار به عرصه‌های شخصی ندارد و در عرصه‌های اجتماعی نیز استفاده از آزادی نمی‌تواند مجوز ورود به حریم خصوصی دیگری، تجسس و یا پخش اطلاعات در این زمینه شود؛ «کسانی که دوست دارند زشت کاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند، شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پردرد خواهد بود و خداست که می‌داند و شما نمی‌دانید» (نور: ۱۹). بر این اساس فاش ساختن زشتی‌هایی که در افراد با ایمان احیاناً وجود دارد، خود گناه مذموم است (قاضی زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۶-۱۴۵).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به آزادی بیان پرداخته شده است ولی این اصل به وجود محدودیت‌هایی پذیرفته می‌شود. اصل ۲۴ قانون اساسی، درحالی‌که آزادی بیان را مقید به نشریات و مطبوعات نموده است، می‌گوید: نشریات و مطبوعات در بیان مطلب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند. به این ترتیب اولاً قانون اساسی، اساس آزادی بیان و مطبوعات را پذیرفته و تصریح کرده است؛ ثانیاً، این آزادی به طور مطلق در نظر گرفته نشده و دارای دو قید است: مبانی اسلامی و حقوق عمومی؛ ثالثاً، بیان کیفیت و تفصیل آن در قالب قوانین عادی مقرر گشته است (صالحی، ۱۳۸۵). اهم مواردی را که خبرگان قانون اساسی در این زمینه بیان داشته‌اند، در جدول ۲ آمده است.

آزادی در اسلام دوشرط دارد. اولین شرط همان است که در مبانی غربی نیز وجود دارد: آزادی فرد، مزاحم دیگران نباشد و از آنان سلب آزادی نکند. شرط دوم این است که باید بر سعادت فرد، لطمه‌ای وارد نسازد، اینجاست که آزادی در عقیده و اندیشه و رفتار از محدودیت بیشتری برخوردار می‌گردد (سبحانی، بی تا: ۸).

جدول ۲- محدودیت‌های آزادی بیان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مخلّ حقوق عمومی	مخلّ مبانی اسلامی
فاش کردن اسرار نظامی	مخالفت با عفت عمومی
مطالب مخلّ به استقلال و تمامیت ارضی کشور	توهین به مقامات اسلامی و شعائر دینی
مطالب مخلّ به امنیت عمومی	افترا و تعرض به شرف و حیثیت اشخاص.
نشر اکاذیب	ترویج فساد
توطئه و تحریک مردم علیه حکومت	انتشار مطالبی که موجب گمراهی مردم می‌گردد
هتک حیثیت اشخاص	نشر کتب ضالّه و مضله که مبتنی بر رد خدا و پیامبر و قرآن باشد
توهین و افترا به اشخاص حقیقی و حقوقی، مراجع تقلید و رهبر انقلاب اسلامی	تضعیف عقاید مردم
انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی	

منبع: (بهمنی، ۱۳۸۴: ۴۳)

### نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده، به این نتیجه می‌رسیم که آزادی بیان هم در مبانی اسلامی و هم مبانی غربی مورد تأکید قرار گرفته است و یکی از حقوق اساسی بشر به شمار می‌رود. آزادی بیان یک اصل دینی بوده، برخلاف نظر کسانی که از آن واژه دارند و حتی تعطیلی آن را تجویز

می‌کنند. نگرانی این افراد، مورد بهره برداری حاکمان مستبد قرار گرفته و زمینه‌های اختناق سیاسی را فراهم می‌کند.

آزادی واقعی در جامعه زمانی تحقق می‌یابد که اندیشمندان و بلکه مخالفان به ابراز عقاید خویش پرداخته و نهادهای قانونی جامعه، صیانت آنان و تشکلهای منعکس کننده نظراتشان را برابر گروه‌های غیررسمی فشار، تضمین نموده و از کنار تعرضات، بی تفاوت و آسان نگذرند. آزادی بیان دارای ارزش‌ها و آثار مفیدی برای جامعه است: (۱) بلوغ فکری مردم و پیشرفت سازمان‌های اجتماعی؛ (۲) شناخت حق از باطل و تحصیل اعتقادات واقعی و مبتنی بر عقل؛ (۳) ایجاد ثبات و تعادل در اجتماع؛ (۴) کنترل و نظارت اجتماعی در خصوص عملکرد نهادهای حکومتی؛ (۵) جلب مشارکت عمومی در حل مشکلات.

### جدول ۳- دیدگاه‌های مطلق و نسبی به آزادی بیان

ردیف	دیدگاه نسبت به آزادی بیان و دلیل یا شروط آن
۱	دلیل: اعمال زور و فشار در عرصه فکر و فرهنگ نه تنها ثمربخش نبوده بلکه غالباً نتیجه معکوس می‌دهد. ایجاد محدودیت و برخورد غیر فکری و غیر تربیتی با افکار نه تنها نمی‌تواند جلوی ابراز صریح عقاید را بگیرد بلکه هرگز نمی‌تواند موجب اضمحلال و یا حتی مانع انتشار آن شود.
۲	اعتقاد به آزادی بیان مطلق
۳	ماده ۱۹ به خوبی حق آزادی بیان را مورد حمایت قرار داده و بر حق مطلق داشتن عقیده بدون هیچ هراسی و حق ابراز آن به طرق مختلف و بدون توجه به مرز تأکید می‌ورزد؛ هر کس از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار است و نباید از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی داشته باشد و در کسب اطلاعات و انتشار آن، به تمامی وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.
۴	ماده ۱۸: هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق، منفرداً یا مجتمعاً، به طور خصوصی یا به طور عمومی برخوردار باشد.

<p>ماده ۲۹: ۱) هرکس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد؛ ۲) هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون، منحصرأ به منظور تأمین قانون، منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم همگانی، در شرایط یک جامعه مردم‌سالار وضع گردیده است؛ ۳) این حقوق و آزادی‌ها در هیچ مواردی نمی‌تواند برخلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد.</p>	<p>شرایط: هرکس در اجرای حقوق و استیفای آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون، منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی وضع شده است. این حقوق و آزادی‌ها در هیچ مواردی نمی‌تواند برخلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا شود.</p>
<p>ماده ۳۰: هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید تفسیری شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتوانند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند و یا در آن راه فعالیت بکنند.</p>	
<p>حقوق بشر کمیسیون اروپایی</p>	<p>هرکس دارای حق آزادی بیان است. این حق شامل آزادی داشتن عقیده، دریافت و رساندن اطلاعات و اندیشه، بدون مداخله مقامات دولتی و بدون توجه به ملاحظات مرزی است.</p>
<p>مبتنی بر اصول حقوق مدنی و سیاسی</p>	<p>ماده ۱۹: هرکسی از حق آزادی عقیده و بیان بدون هیچ‌گونه مداخله برخوردار است. این حق مشتمل بر آزادی جست‌وجو، دریافت و رساندن اطلاعات و اندیشه‌ها از هر نوع، به هر وسیله دیگر فارغ از ملاحظات مرزی است.</p>
<p>مطلوب</p>	<p>ممنوعیت آزادی توطئه، آزادی خدعه، فریب و نفاق، آزادی عقاید مبتنی بر جهل و خرافه، محدود بودن آزادی بر مصالح</p>
<p>مطلوب</p>	<p>هرمکتب و ایدئولوژی که به عقیده خود اطمینان دارد از آزادی اندیشه هراسی نخواهد داشت و طرح اشکالات مخالفان را نه تنها مضر به عقاید و اندیشه خود نمی‌داند که موجب شفافیت و رونق خود می‌داند</p>
<p>قرآن کریم</p>	<p>رعایت حقوق و حدود دیگران در پاسخ به تعدی آنها، رعایت حریم خصوصی زندگی دیگران</p>
<p>قانون اساسی</p>	<p>مخالفت با عفت عمومی، توهین به مقامات اسلامی و شعایر دینی، افترا به و تعرض به شرف و حیثیت اشخاص، ترویج فساد، انتشار مطالبی که موجب گمراهی مردم می‌گردد، نشر کتب ضالّه و مضله که مبتنی بر رد خدا و پیامبر و قرآن باشد، تضعیف عقاید مردم.</p>
<p>مخلّ حقوق عمومی</p>	<p>فاش کردن اسرار نظامی، مطالب مخلّ به استقلال و تمامیت ارضی کشور، مطالب مخلّ به امنیت عمومی، نشر اکاذیب، توطئه و تحریک مردم علیه حکومت، هتک حیثیت اشخاص، توهین و افترا به اشخاص حقیقی و حقوقی، مراجع تقلید و رهبر انقلاب اسلامی، انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی.</p>

بجز تعدادی محدود از صاحب‌نظران، حتی در مبانی غربی نیز آزادی بیان مطلق پذیرفته نمی‌شود و در اعلامیه حقوق بشر نیز محدودیت‌هایی برای آزادی بیان مطرح شده است. در جدول ۳، دیدگاه صاحب‌نظران مختلف و شروط آنها ذکر شده است.

به قول معروف، «هرسخن جایی و هر نکته مکانی دارد». هرگوینده و نویسنده‌ای باید کاملاً زمان و مکان انتشار و ایراد سخن و پیام خود را در نظر بگیرد؛ چراکه انتقاد و اعتراض به هر حکومتی چنانچه با ابزار نامشروع و به انگیزه نامشروع و غیرمنطقی صورت گیرد، طبیعی است که تعادل و آرامش جامعه را برهم زده و ممکن است گوینده در عملی که انجام داده به خطا رفته باشد و در نتیجه صرف اظهار نظر و بیان مطلب، حتی اگر حق نیز باشد، موجب مشکلاتی گردد. از همین روست که در هر جامعه‌ای عقلای آن، جلوگیری از انتشار و بیان مطالب مسموم و تشنج آفرین را غیرمعقول و غیرمنطقی می‌دانند.

#### یادداشت‌ها

۱. و امرهم شوری بینهم
2. Liberty
3. Fact
۴. نگاه قرآن به آزادی بیان و عمل مرکز فرهنگ و معارف قرآن، روزنامه کیهان (۸۳/۲/۲۴).
۵. دو روی یک سکه: آزادی بیان - مهمترین شاخص حقوق بشر، روزنامه اعتماد (۸۴/۹/۱۹).
۶. پیشین.
7. Brandeis
۸. پیشین.

#### منابع

- اسعدی، مرتضی، «برای حفظ و گسترش آزادی بیان چه می‌توان کرد: قلمرو قابل دفاع آزادی»، مجله کیان، شماره ۳۲، شهریور و مهر ۱۳۷۵.
- اعرافی، «مبانی و حدود آزادی بیان و مطبوعات از دیدگاه اسلام»، نامه فرهنگ، شماره ۴۴، ۱۳۸۱.
- بابایی، علی و غلامرضا آقایی، فرهنگ علوم سیاسی، جلد ۱، چاپ اول، تهران، شرکت نشر و سیر، ۱۳۶۵.
- بهنی، محمد مهدی، «آزادی اندیشه و بیان در ایران»، مجله گزارش، شماره ۱۶۲، فروردین ۱۳۸۴.
- بیتام، دیوید و کوین بویل، دموکراسی چیست؟ (آشنایی با دموکراسی)، ترجمه شهرام نقش تبریزی، انتشارات

- قنوس، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۹.
- بی نا، نگاه قرآن به آزادی بیان و عمل مرکز فرهنگ و معارف قرآن، روزنامه کیهان (۸۳/۲/۲۴).
- بی نا، دو روی یک سکه: آزادی بیان - مهمترین شاخص حقوق بشر، روزنامه اعتماد (۸۴/۹/۱۹).
- جهانبگلو، رامین، مدرنیته، دموکراسی و روشنفکران، نشر مرکز، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
- خمینی، روح الله موسوی، ولایت فقیه، بی جا، (چاپ پیش از انقلاب)، ۱۳۵۶.
- صحیفه نور، جلد ۱۴، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،  
۱۳۶۲.
- صحیفه نور، جلد ۱۷، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،  
۱۳۶۴.
- صحیفه نور، جلد ۲۰ و ۲۱، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد  
اسلامی، ۱۳۶۹.
- دل، رابرت، درباره دموکراسی، ترجمه حسن فشارکی، انتشارات شیراز، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
- دانشنامه آزاد ویکی پدیا (۲۰۰۷): اعلامیه جهانی حقوق بشر، [www.wikipedia.org](http://www.wikipedia.org).
- سیحانی، جعفر، «آزادی در گستره بیان و عقیده»، مجله تخصصی کلام اسلامی، سال دوازدهم، مسلسل ۴۷، بی تا.
- سروش، عبدالکریم، «دین و آزادی»، کیان، شماره ۳۳، آبان و آذر ۱۳۷۵.
- «آزادی بیان»، بازتاب اندیشه، شماره ۳۷، ۱۳۸۲.
- سعیدی، محمد حسن، «آزادی مخالفان سیاسی در حکومت علی(ع): قسمت اول: آزادی سیاسی و بنیان‌های آن»،  
نشریه حکومت اسلامی، شماره ۲ و ۳، ۱۳۷۹.
- صالحی، حامد، «اختیار مشروع: آزادی های فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، روزنامه همشهری،  
۸۵/۳/۱۱
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدرضا صالحی کرمانی، جلد چهارم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- فاضل میبدی، محمدتقی، «فلسفه آزادی در ادبیات دینی»، کیان، شماره ۳۲، شهریور و مهر ۱۳۷۵.
- قاضی زاده، کاظم، «حقوق و آزادی سیاسی در قرآن و سنت»، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران،  
سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۵.
- کریمی‌نیا، محمد مهدی، «حاکمیت دولت و آزادی عقیده و بیان»، ماهنامه معرفت، شماره ۳۹، بی تا.
- کوهن، کارل، دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۷۳.
- لفت ویچ، آدریان، دولت‌های توسعه‌گرا، ترجمه جواد افشارکهن، انتشارات مرنندیز و نی نگار، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- مطهری، مرتضی(الف)، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم، تهران و قم، ۱۳۷۵.
- (ب)، جهاد، انتشارات صدرا، چاپ نهم، تهران و قم، ۱۳۶۱.

-----؛ قبادی، خسرو، «موارد و محدودیت‌های آزادی سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید

مطهری»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹.

میراحمدی، منصور، «تحلیل مفهوم آزادی سیاسی»، علوم سیاسی، سال سوم، شماره دوازدهم، ۱۳۷۹.

هلد، دیوید، مدل‌های دموکراسی، ترجمه عباس مخبر، انتشارات روشنفکران، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۹.

Bretschneider, Corey: Democratic Rights: the Substance of Self- Government, Princeton University Press, Princeton and Oxford, 2007.

Meiklejohn, Alexande: Political Freedom: The Constitutional Power of the People, New York: Harper and Brothers, 1960.

Mill, John Stuart: On Liberty, in on Liberty and Considerations on Representative Government, 1948.

Nagel, Thomas: Personal Rights and Public Space, in Concealment and Exposure and Other Essays, Oxford: Oxford University Press, 2000.

